

نظری بر کتاب آشنائی با نسخ خطی و آثار کمیاب

(فارسی و عربی)

• سید عبدالله انوار
نسخه پژوه

دارند و به عبارت دیگر پریشانی به جمع آمد. ولی مثل آن بود که بر سر نوشت برگه معرف نسخ خطی بر آن رفته بود آن با تشتت همراه باشد و این تشتت هم از دو طریق نمایان گردد از یک طریق اختلاف معرفی آنها با معرفی معرفان نسخ چاپی و از طریق دیگر اختلاف بین خود آنها در تعریف و تبیین نسخ مورد معرفی خود بسیار دیده شد که در تبیین و تعریف یک نسخه خطی از طریق دو کس طالب دو تعریف بدست داشت که جمع مهمما امکانی بین این دو تعریف امکان نداشت. بگذریم از موردی که دو نسخه خطی یک کتاب از حیث ویژگیهای صوری با هم اختلاف داشتند و این اختلاف مصداقی آنها در این گونه موارد کار را بانجام می کشید که طالب و پژوهشگر را مواجه با جمع ضدین می کرد. این مراتب همیشه بین فهرست نگاران نسخ خطی (که فهرست نگاری را من حیث هو فهرست نگاری مورد نظر می داشتند نه فهرست نگاری را من حیث وقت اداره گذرانی) ایجاد خلجانی کرده بود و همیشه از خدا می خواستند که دستی از غیب برون آید و کاری بکند. البته این را هم باید گفت چون طالبان نسخ خطی کم بود مراجع تصمیم گیرنده را بر آن نمی داشت که مصلحتی اندیشند و برین تشتت ها خط ترقین کشند و حتی این بی اعتنائی بسر نوشت نسخ خطی به آنجا کشیده بود که با تاسیس مدرسه عالی کتابداری رشته فهرست نگاری نسخ خطی مورد توجه قرار نگیرد و طلاب این رشته مطلوب خود را ازین مدرسه نجویند و اگر یک بار یا دو بار هم برای برهه ای از زمان تعلیم این رشته صورت مائی گرفت آن بقول عارفان عشق از پی رنگی بود که جز نیرنگ و مرگ مستعجل در پی چیز دیگر نداشت. از آنجا که حقیقت هیچگاه برای همیشه در کسوف نمی ماند و پریرو برای همه عمر تاب مستوری ندارد و خاصه در موردیکه سر و کار با فرهنگ ملی داشته باشد یعنی فرهنگ حاکی از خزانه اندیشه اندیشه وران. خوشبختانه گردش ایام و روح زمان تلقین زد که دیگر این دریای ژرف اندیشه در زاویه خمول منزوی نگذارند و شاهد آن نباشند که کتب چاپی که یک جلوه از جلوات وجودی آن می باشند شاهد بازاری گردند و خود آنها مجانس تار عنکبوت نسبان. امروزه آنچه از شواهد و آثار برمی آید مثل آنست که در آن سر نوشت رقم خورده و برای نسخ خطی و مخازن آن بحکم تقدیر الهی تغییری راه یافته و وضع بصورتی درآمده است که آسفها بر غفلت گذشته خورده می شود و صاحبان امر و نهی بر آنند که در بادی امر



چون صنعت چاپ متصدی انتشار موجودات کتبی مندرج در صفحات کاغذ شد با ارائه نسخ بیشتر در زمانی کمتر از دست نویسی نظرها را بخود متوجه کرد و تحول عظیمی در مخازن کتب ایجاد نمود و بقول اهل نظر تغییر کمیت موجب تغییر در کیفیت گردید و تحول موجهی اتفاق افتاد که مخازن کتب هم بر تعدادشان فزونی راه یافت و هم بر تعداد ما فی المخازن فزونی رخ داد ضمناً این تغییر کمی و کیفی نیز باعث شد که در عرضه کتب از طریق معرفی کتب مخزونه هم تحولی صورت پذیرد که فرق بسیار با کار گذشتگان است یعنی روزگاری که عرضه کتب منحصر به نسخ دست نوشت بود البته واقع هم چنین فرق و اختلاف را تأیید می کرد، چه نسخ متعدد چاپی از یک دست نوشته که بغراوانی مصادیق عددی از آن دست نوشته در راه اسهل طرق در دست طالب می گذاشت و براحتی طالب را به مطلوب می رساند دیگر حاجت نداشت که در برگه های شناساننده خود بر آن رود که یک برگه شناساننده نسخ خطی بر آن می رفت. خوشبختانه با پیدایی یک یا دو الگو در برگه نویسی کتب چاپی کار برگه نویسی را به لازم الاتباعی کشانید و مخازن کتب و برگه نویسان کتب چاپی را متفق کرد که برگه های معرفی کتب چاپی را طبق آن الگوی لازم الاتباعی عرضه

نگذارند این گنجینه‌های فکری ترک آشیانه ملی و بومی خو کنند و بجای آنکه کام مخازن اجنبی را شیرین نمایند بکامجویی مالکان اصلی پردازند و بهر تقدیر که شده خزائن ملی را انباشته گردانند تا آنکه خزینه‌های دیگر پر کنند و بدین فکر نسخ خطی می‌خرند و دلالت این متاع را بان می‌کشند که راه خود را از راه ترکستان بیگانه بیک سو کنند و راه خزائن ملی را پیش گیرند که «چراغی که بخانه رواست به مسجد حرام است» تازه اگر مخازن خارجی مسجد باشند. از آنجا که چنین اندیشه و عزم عظیمی تبعات و دامن‌ها دارد یکی از آن متبعات آن خبر ایجاد رشته دائمی (نه رشته فصلی و مستعجلی) فهرست‌نگاری خطی در مدرسه کتابدار است. امید آنکه این خبر از اخبار متساوی‌الاحتمال صدق و کذب نباشد بلکه یقینی الصدق باشد و ضمناً این رشته از جمله رشته‌هایی نباشد که عنوان‌ساز گردد و فراگیراند مغرور و مفتون درجات لیسانس و فوق لیسانس و ما تحت دکتر و دکتر کند و بی‌خبر از اصل امر یعنی فهرست‌نگاری و درست مصداق این مثل عامیانه آفتابه و لگن هفت دست ولی سفره خالی.

از آنجا که هر رشته تحصیل حاجت به کتاب برای تدریس و تعلیم دارد در بهار سال ۱۳۸۶ شمسی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) کتابی بنام «آشنائی با نسخ خطی آثار کمیاب (فارسی و عربی)» انتشار داد. که اگر نخستین کتاب درین رشته نباشد از جمله نخستین کتاب‌ها درین زمینه است. نویسنده آن طبق مطالب مندرج درین کتاب مثل آنست که فهرست‌نگار بوده و بمطالبتی اشاره می‌کند که واقفان باین رشته اشاره می‌کنند. از آنجا که در پایان هر مبحثی سؤالاتی راجع بآن مبحث طرح می‌کند گویی سر آن داشته که با طرح این پرسش‌ها کتاب خود را کتاب تعلیمی برای دانشجویان رشته فهرست‌نگاری نماید و باز با تلویحات و تصریحاتی که در مطاوی کتاب خود می‌آورد می‌رساند خوب به مشکلات این فن آگاه بوده و می‌خواهد بشاگردان این فن بیاموزد که چه نکات دقیقی در بر گه‌نویسی نسخ خطی است که در بر گه‌نویسی نسخ چاپی به حکم آنکه چاپی‌اند از آن معفواند لذا برای بهتر شناختن این کتاب سزا است که دید اجمالی به ما فی‌الدفتین کتاب اندازیم چه رسایی مندرجات خود کتاب بالاتر از هر گفتاری درباره آنست. پس با خواننده عزیز سیری در متن کتاب می‌کنیم و انشاءالله ضیق صفحات کتاب «کلیات» به ما اجازه خواهد داد که تا بتوانیم عسری از اعشار محتویات آنرا بعرض برسانیم.

این کتاب پس از آنکه در مقدمه خود بحثی درباره شأن و ارزش و اهمیت نسخ خطی می‌کند گوشه چشمی به تسامحی می‌نماید که درباره کتب خطی شده و در ضمن خود را ملزم باین می‌کند که با علاقه‌مندان برفق این نقیصه کوشد و «این خلاء را پر نماید. پس از این تذکار او می‌گوید: این کتاب در دو بخش می‌آید. بخش اول در چهار فصل مختص بوضعیت موجود نسخ خطی. پس در فصل اول: تاریخچه نسخه خطی و نسخه خطی و آثار کمیاب را بیان می‌کند و در آن از کتاب‌های چاپ سنگی نیز یاد می‌نماید. در فصل دوم: کتابخانه‌های مشهور جهان که واجد نسخ خطی فارسی و عربی می‌باشند را معرفی می‌کند. در فصل سوم: از مشخصات مادی و ظاهری نسخ خطی سخن می‌گوید و در آن مسائل خط و خوشنویسی

و کاغذ و قلم و مرکب و قلمدان و... را بمیان می‌کشد. در فصل چهارم: از جلوه‌های هنری نسخ خطی که تذهیب و ترصیع و تجلید است صحبت می‌نماید و با این فصل بخش اول بیابان می‌رود و بخش دوم آغاز می‌گردد این بخش تحت عنوان «چه باید کرد» فصول خود را می‌آورد و نویسنده برای آنکه پیوستگی متن را حذف نکند فصل اول این بخش را بصورت فصل پنجم می‌آورد که حکایت ازین می‌کند که بخش دوم جدا از بخش اول نیست. او در فصل پنجم پس از مقدمه‌ای درباره میراث اسلامی در غرب سخن می‌کند و سپس با عنوان تجمیع و تشویق از نسخه‌جوئی و نسخه یابی شرحی می‌آورد و در ذیل آن از وقف و اهداء و امانت و تقویم ذکری می‌نماید. در فصل ششم: قلم را در حفاظت و نگهداری نسخ خطی بنگارش می‌کشد (که از مسائل بسیار مهم کتابداری و سلامت مخازن‌اند) درین فصل پس از مقدمه‌ای از آفات نسخ چه طبیعی و چه غیرطبیعی و چه اجتماعی (چون سرقت) صحبت می‌کند و راه مبارزه با آنها و نیز مرمت را می‌نماید. در فصل هفتم: از فهرست‌نگاری و فایده آن و فهرست‌نگار و روش او درین فن به طور مستوفی مطالب می‌آورد. در فصل هشتم: مؤلف تدوین و تنظیم فهرست‌های خطی که عبارت از کتابشناسی و نسخه‌شناسی است بیان می‌دارد و در نسخه‌شناسی ضمن بیان تملک نسخه گوشه‌ای به جعل و تزویر و سرقت‌های ادبی می‌زند. در فصل نهم: او به تصحیح و احیای متون می‌پردازد و درین پردازش مسائل تصحیح و روش تصحیح و ویژگی‌های مصحح و صعوبت تصحیح متون را شرح می‌دهد و در ضمن درد و دلی از بی‌علاقگی ناشران بزرگ و فقدان آثاری که اصول نقد را آموزش دهد و محدود بودن تصحیح به حوزه‌های خاص و فقدان متولی خاص برای پرورش مصحح و عدم تشویق و عدم بهره‌گیری مناسب از منابع تصحیح شده می‌کند و بآخر از تدوین تاریخ علم مختصری می‌گوید. فصل دهم این کتاب که فصل پایانی است از شیوه بهره‌گیری و استفاده از نسخ خطی صحبت می‌کند و در آن از تعلیم و برنامه‌های آموزشی دانشگاهی و برنامه‌های کاربردی و خدمات دسترس‌پذیری و پرهیز بخشی‌نگری و جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها و گسترش از پایگاه‌های اطلاعاتی مباحث مفیدی عرضه می‌دارد و بآخر ضمائم را واجد است که بحث در آن منافات با ضیق جا در کتاب «کلیات» دارد لذا از آن در می‌گذریم.

آنچه بنظر می‌رسد که از دید این مؤلف ریزه‌نگر بر کنار مانده بحث درباره «جنگ» هاست. متأسفانه مسأله جنگ‌ها مورد غفلت بیشتر فهرست‌نگاران نیز می‌باشد در حالی که جنگ‌ها نوشتارهایی‌اند که انسان فرهیخته‌ای در ضمن تفحص در کتاب‌ها، برگزیده از مطالب آنها را برگرفته و در جنگ (کشکول و مخلاه) می‌آورد و بر فهرست‌نگار است که صفحه به صفحه جنگ را بر خواند و از هر صفحه آن قول برگزیده را برگیرد و در فهرست خود آورد و از آن نهراسد که یک صفحه جنگ ده یا بیست صفحه فهرست او را فرا می‌گیرد زیرا در هر برگزیده دانشی است بنهفته در گوشه‌ای!!

باری این کتاب بسیار مفید در فن و تعلیم فهرست‌نگاریست و خداوند مؤلف آنرا موفق در ایجاد و تدوین اینگونه کارها نماید بمنه و کرمه.